توسعه درگروانسان دوستي

جامعه توانمند



زندگی بشــر دارد و همواره در روابط تمامی اقوام بشری، می توان این امر را مشاهده کرد. درُ کنار مُفَهومی قدیمی چونُ انسان دوستی، مفهومی چون انسان محوری نیــز به وجود آمده کــه به نوعی با مفاهیمــی مانند حقوق بشـر و ... هم سـنخ دانسته میشـود. به هر روی همچنانکـه این انسان دوسـتی دارای ارزش است، انسان محوری به اصولی تاکید دارد کـه نمی تـوان آن را آنچنـان در قد و قامـت بشردوسـتی گنجاند. نـگاه موجود در انسان دوستی، نگاهی گسترده و وسیع است و در کلام فلاسفه، سیاست مداران، شـعرا، اُدیبان و ... کاملا می توان این نگاه را دید. در کل انسان دوستی مفهومی است که سبقهای اخلاقی دارد و از ایسن رو مذاهب و نحلههای فلسفی نیز همواره در این زمینه پیش قدم بودهاند. با این وجود، نسبت بیان این امر با توسعه و پیشرفت در جوامع امروز نیز، خود محل بحث است. نکتهای که بسياري از صاحب نظران نيز، بـر آن تاكيد ت و این خود انسان است که موجبات توسعهُ را فراهمُ می آورد و نیسروی ماورایی عامل ایجاد آن نیست. در نتیجه نقطه عطف شـکل گیری آن هم باید از منظر انسانی گذر کند. انسان به خاطر داشــتن زندگی بهتر از سویی و از سبوی دیگر به دلیل دستیابی به رفاه و امکانات، توسعه را محور قرار می دهد. هرچند این مفهوم با اندیشه تکامل در قرون ر پر ۱۲۶۰ ... جدید پیوند خورده و رنگ و بویی مدرن و نوگرا دارد، اما در نهایت در پیشرفت جوامع ر در ر باید انسان دوستی مورد توجه قرار گیرد و نه انسان محوری. چرا که مفهوم انسان محوری، تا حدی شُاملُ نگاهی غَیْر مذهبی اسَت و بسیاری آن را با مفهوم اومانیسم یکی می دانند و از اینرو باید این دو از یکدیگر تمییز داده شـوند تا از بار منفی این انسـان محوري نيز كاسته شود. حال آنچه مطرح است و بسیاری دنبال پاسخی برای آن هستند، این نکته است که چگونه می توان

. . . . انسان دوستی و کرامت قایسل شدن برای انسان، همان توجه به رفاه و زیست بهتر اوست. این انسان دوستی لـوازم و پیش زمینه هایی میخواهد که نخستین الزاماتی را می تبوان در تامین معیشت و رفاه انسان ها جست. چرا که کرامت انسان رده استان بسسه پره تا موسسانی که بدون آنها ممکن نخواهد بود و انسانی که دغدغه معاش و مواد اولیه زندگیاش را دارد، نخواهد توانست به امری چون نوعدوستی و کرامت قایل شدن برای سایر انسانها، نیز ارزشی قایل شود. در مجموع در چارچوب معارف دینی هم به این امر اشاره شده است. کسی که معاش خوبی نیدارد، معاد خوبی هم نخواهد داشت. در سایر کشورهای دنیا هم ایسن امر پذیرفته شیده است. چنانچه سا بیس طر پیرے سد است به این انگلیسی، ها نیسز ضرب المثلی دارند با این معنا کـه (از یک در که فقر وارد شود، از در دیگر عشق خارج می شود) به این ترتیب دیگر عشق خارج می شبود) به این ترتیب پیوند نوعوستی با پیشرفت و توسعه در هر حد و اندازهای قابل بررسسی است و باید به آن توجه داشت. این اصر از جمله اصول اولیه زندگی بشری نیز به حساب می آید و برای آنکه بتوان پلی میان این دو جست، در ایندا باید معاش و زندگی اقتصادی و عمومی تامن شده . تامین شود.

میان انسان دوستی و توسعه و پیشرفت،



تحلیلی از چشمانداز جامعه ایرانی در گفتوگو با مجتبی مهدوی، استاد علومسیاسی دانشگاه آلبرتا کانادا

مسالهماميوهممنوعهنيست ممنوعیت میوههای مجاز است



بقینا در میان ایرانیانی که دل در گرو قدرت، ثروت د، کسیرانمی توان پیداکرد که آرمان وایدهاش برای ایران، چیزی جز سایهافکندن عدالت، آزادی، احترام و کرامتانسانی بر زندگی مردم باشد: این چهار آرمان هستند که هر پدیدار ر ۱. خیر دیگری را در جامعه امروزینی سبب می سازند: از حقوق شــهروندی گرفته تا دموکراسی را. شاید زندگی در سایه این چهار آرمان انسانی و همه پیامدهایش رابتوان «زندگی اخلاقی» قلمداد کرد. زندگی اخلاقی اما، دشمنان بزر گی دارد که در همه جوامع و در درون و بیرون از گفتمان های مسلط و امسلط، ادامه حیات می دهند؛ چه در ساختارهای

اجتماعي باشندوجه درعامليت هاى اجتماعي باایسن توضیع، طرح و انجمام گفتوگویی که می خوانید را شاید در یک کلام بتوان گفت برای نور تاباندن بر وضع جامعه ایران و دشمنان زندگی اخلاقی در این جامعه بوده است. گفت وگویی ر نادین مجتبی مهدوی، اسستاد علومسیاسی در دانشگاه آلبر تا کانادا ایدهاصلی انجام این گفت و گو، فقر تحلیلی آشکاری است که جامعهشناسی در ایران از آن رنسج میبرد؛ چه آن که تصبور این قلم این است که حالا وقتش رسیده روانشناسان و را دانشــمندان علومسیاســی و منتقدانادبــی، بار جامعهشناسان!یرانیرابردوش،بکشند.

آقایمهدوی چهدر نوشتههاو چهدر سخنانش، یک خصلت بارز دار دو آن شفافیت، صراحت و دقت نظر بالادر تحلیل مسائل است. او در زمره روشنفکرانی است که برخلاف بسیاری از شبه تحلیلگران، سیاست را از جامعه، فرهنگ، اقتصاد و حتی مسائل روانشناختی تفکیک نمی کند. خواندن گفتوگوی پیشرواینادعارابهخوبیبرایتاناثباتمیکند. mass.rafi@gmail.com

ازمتن گفتو گو

• بدون تردید پدیده «توسعه ناموزون» همچنان ویژگی ساختار اجتماعی – اقتصادی ایــران معاصر اســت. ســاختار سیاســی دولت .. «رانتیس نفتسی»از یک طسرف واز طسرف دیگر ساختار سلطه سیاست جهانی که تحریمهای اقتصادی ظالمانه را بر مردم ایران تحمیل کرده و سایه جنگ و ناامنی را بر منطقه خاورمیانه افکنده است به طور همزمان به تشدید عارضه «توسعه ناموزون»انجامیده است.

ردانیم کــه پدیدههای اجتماعــ رابطه دیالکتیکی و پویاو در تعامل بامتغیرهای سیاسی،اقتصادی،فرهنگی،هستند.تکعاملی نیستند.شکافنسلها،وضع اقتصادی، تحولات ساختاری عمیق اما آرام در ارزشهای فرهنگی و اخلاق جنسی، دگر دیسیی در مفهوم و واقعیت خانواده، بحران اقتدار و مشروعیت منابع سنتی فرهنگی و پذیرش تکثر و تنوع نظامهای متنوع ارزشی می توانند بخشی از بحرانها و تغییرات اجتماعی وفرهنگی را تبیین کنند.

• بحران در سرمایه «اعتماد اجتماعی» حتما بدون ار تباط با فساد اقتصادی و اختلاسهای گسترده میلیاردی، تقلب و تدلیس در ساختار

• حقیقــت ایــن اســت که نــه دموکر اس و حقوقبشــر ارزشهایــی غربیانــد و نــه اقتدارگرایی، پدرســالاری و الیگارشــی قومی ارزشهایی پر ایران دیگیر، سینتزی از ارزشهای جهانی کرامت انسیانی، آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی است که درقالب نهادُهاًی خاص فرهنگی و ملی یک ملت تُجلی

اگر سیاست در ساختار کلان به گفتوگو، تعامل و دیالوگ معنی دار اهمیت بدهد، آثار آن را در روابط اجتماعی و عرصههای مدنی نیز می توان دید. واگر زیست اخلاقی و معنویت را به ظاهر گرایسی تقلیل ندهد، آنگاه ریــاً، زَهدفروشــیَ و دروغ در عرصه اجتماعی به صورت سیستماتیک باز تولیدنمی شوند. ادامه در صفحه ۱۱۹۱۰

▶ چطور از ناامیدی، خیالپردازی و آدرسهای غلط خلاص شویم



گفت و گو با فتح الله بی نیاز











0

جهان بهتر؛ موضوعی است که در این مجال ورد بحث قرار گرفته است. قرار است درباره

۔۔۔۔۔ این که «جهــان بهتر» چگونه جایی اســت؟

مبحثی ارایه کنم. بــه اعتقاد من، جهان بهتر، جهانی است که انســانها با صلح و آرامش در

کنار هم زندگی کنند و لبخند و نان به تساوی

جایی است که پنجرهها به سوی بهشت باز

ر جود ندارد. بشر امروزی با اشتباهاتش، رنج و اندوه را پذیراست. بشــر گناهکار با گناهانش آرامش،

بیر دوستی و صلح را از خبود دور می کنید و پنجاست که دنیای بهتر شکل و شمایل خود

راً از دست می دهد و معنایش ُ رنگ می بازد. متاسفانه آدمی نفرت را در خود نهادینه کرده

و باعث شده جهانش پر از جنگ و نفاق و

. نشونت شــود. برخی آدم ها کارشــان ایجاد

نفرت است و این نفرت باعث شده خشونت بر جهان حاکم باشد. گمشده بشر امروزی محبت و عشق است، آدمی از یاد برده که

ذاتا عشق ورز و انسان دوست است، آدمی فراموش کرده نیاز به دوست داشته شدن و

در جهان بهتر هرکدام از ما جایی برای جنگ و

مسوعت وجودت داد. دنیای بهتر هر آدمی پر است از رنگهای شاد با انسانهایی که لبخند بر لب دارند، جهانی که کودکان تنها کارشان خندیدن و

بازی کردن است و بزرگترها از داشتههایشان

نْتَ مَىٰبِرَنْد و... ولَىٰ چُه مَىشُـود كه همينَ

آدمها در دنیای واقعی، جهانی خاکستری

ِ ا به خودخواهیها میدهند. بهجرم کدامین

ر . ر ر کی این این این بر این برایی جنگها اشتباه ما رسیدن به صلح را در بر پایی جنگها و غارتها دیدهایم. از چه روی، آدمی وقت و

سُرمایه خود را صرفُ ساخَتُن بمب و اُسلحهُ می کند و بعد هـزار ترفند بــه کار می بندد

تا به نام حقوق بشر و به کام خرد ، جنگی راه بیندازد تا منافعش تأمین شود؟ خودخواهی و طمع آدمها باعث شده تا

دنیا، جهان خوبی نباشد و تنها نظاره گر خشم، جنگ و نابرابریها باشیم. آدم برای

خودخواهی های خود دست به خشونت

بی زند تا ثروت و قدرت بیشتری به دست ورد. از آنجا که انسانها قانع نیستند شاهد انـواع مافياها هســتيم كه همگى تشــكيل

رے ۔۔دہاند تا جوابگــوی زیادہخواھــی آدمھا باشند. انسان هایی که دست به کشتار می زنند

ر ۱۰ تا ۱۰ مر نشونت وجود ندارد.

تداشــتن دارد. هرکدام از مــا جهانی را ر برای خود متصور هستیم که در آن همدیگر را دوست داریم و همه به هم عشق می ورزند.

